

جنایت امپریالیزم آمریکا در تنگه هرمز

به هر کاری که باب طبعش باشد، با دستاویز قرار دادن تضمین امنیت عبور و مرور کشتی ها، دست می یازد. چنین است منطق سیاست کشتی های تویه اژدها سقوط هواپیمای آ- ۳۰۰ و کشتار ۲۹۰ نفر انسان بیگناه افکار عمومی جهان را بخود جلب کرده و اینجا و آنجا موجبات انزجار نسبت به سیاست قلدر منشا نه

ناو جنگی ایالات متحده آمریکا هواپیمای مسافربری آ- ۳۰۰ ایران را در تنگه هرمز به توپ بست. تمامی ۲۹۰ نفر مسافر هواپیما به هلاکت رسیدند. جنایتی هولناک! دولتی ابر قدرت، از آن سوی دنیا نیروهای مسلح خود را به نقطه ای دوردست اعزام می دارد و درست در چند ده کیلومتری کشوری دیگر انداخته آزادانه بدون کوچکترین مانعی

بمناسبت ۱۹ ژوئیه ۱۹۷۹ سالروز پیروزی انقلاب نیکاراگوئه

بودی تا اینکه در ۱۹ ژوئیه - دو روز بعد از فرار سوموزا - ساندنیستها قهرمانانه وارد ماناگوا شده و با تسخیر پایتخت، انقلاب را به پیروزی رسانده و به دیکتاتوری چهل ساله سوموزا در نیکاراگوئه پایان دادند. بدین ترتیب یکی از ارکان اصلی سلطه امپریالیسم آمریکا در منطقه

بیش از ۹ سال از پیروزی انقلاب نیکاراگوئه تحت رهبری جبهه ساندنیستها که در ۲۳ ژوئیه ۱۹۶۱ به وقوع پیوسته بود، می گذرد. تا پیروزی انقلاب در ۱۹ ژوئیه، هدف مشترک تمامی نیروهای ایورسیون، از بورژوازی ضد سوموزا گرفته تا کارگران و دهقانان و روشنفکران انقلابی، پایان بخشیدن به دیکتاتوری فردی سوموزا

در این شماره:

محکومیت مجدد رژیم ج.ا. در سازمان ملل متحد

کنفرانس سران کشورهای عربی در صفحه ۱۲

ریشه ها و شاخه ها در صفحه ۳

انسان گوئوم در صفحه ۵

معرفی يك كتاب در صفحه ۷

اخبار رسیده در صفحه ۳۰۲

پایان دوره خمینی

بدا به حال من که هنوز مانده ام و جام زهرآلود قبول قطعنامه را کشیده ام. خمینی با بیان این جملات در تاریخ ۶/۶/۶۷، قبول قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل متحد و مرگ سیاسی خویش را اعلام نمود. او در ضمن اضافه کرد: "قبول قطعنامه از جانب جمهوری اسلامی ایران به معنای حل مسئله جنگ نیست. طبیعی است جنگی که حدود هشت سال دوام داشته و میلیونها انسان بیگناه را بکام خود کشیده، صدوم و معلول و یا آواره و بیخانمان ساخته، یکشنبه پایان نمی یابد. خود داری جوانان از رفتن به جبهه ها، فرار سربازان از جبهه ها و ناراضیاتی رو به گسترش مردم فاکتورهای تعیین کننده ای هستند که رژیم را مؤادار به قبول قطعنامه کرده اند. پذیرش بی قید و شرط این قطعنامه از جانب رژیم خمینی بیانگر شکست سیاست جنگی آن، ایزوله شدن در سطح بین المللی و نیز در داخل جامعه است.

صدام حسین که به امید پیروزی برق- آسا بر نیروهای مسلح ایران، جنگ خانمانسوز را آغاز نموده بود، بدنبال زایل شدن این امید، ندای صلح دادن را آغاز کرد. او که در جلوه ته چندین کوتاه دوام جنگ، همواره خود را طرفدار صلح و برقراری آتشبس و اتمام جنگ نشان می داد، با حمله مجدد به خاک بقیه در صفحه ۲

بیان دوره ...

ایران و کشتن صدها تن از فرزندان این مملکت و استعمال جنایتکارانه گازهای سمی، بار دیگر نقاب از چهره خویش برافکنند. هدف از این حمله وحشیانه ارتش عراق نه مبارزه بخاطر زندمانان و دفاع از مرز و بوم خود، که کسب امتیازات حقیر در مذاکرات آتش‌بس است. خمینی با قبول قطعنامه سقوط سیاسی خویش را اعلام کرد، ولی جمهوری اسلامی هنوز پابرجاست. او قطعنامه را پذیرفت که رژیم اش را نجات دهد. ساد ملوخی خواهد بود اگر تصور شود که برقراری آتش‌بس و اتمام جنگ ناقوس مرگ رژیم خمینی را بصدا در خواهد آورد.

اعلام پذیرش قطعنامه، پیروزی "جناح میانه رو" حاکمیت به سرکردگی رفسنجانی را نشان می‌دهد. خمینی بار دیگر ثابت کرد که هر جا که کوچکترین خطری منافع موجودیت جمهوری اسلامی را تهدید کند، به اتخاذ هر تصمیمی دست خواهد یازید. او با بیان "تصمیم امروز فقط برای تشخیص صلحت بود"، "صراحتاً جانب "جناح میانه رو" را گرفته و پابرجایی رژیم خویش را در پیروزی این جناح تشخیص داد.

رژیم اسلامی که جنگ تحمیلی را چون "نعمت الهی" در راستای ایجاد جو ترور و اختناق در درون کشور و صدور "انقلاب اسلامی" به کشورهای دیگر پذیرا شده بود، با گذشت هشت سال از آغاز آن، آرزوهای خود را تحقق نایافته دید. اکنون برای سردمداران رژیم محرز شده که آنان در جنگ، چه بلحاظ نظامی و چه بلحاظ سیاسی شکست خورده اند. شعار "جنگ، جنگ تا پیروزی"

دیگر نه شعاری تهدید کننده، بسط مضحک ای پیش‌نیست، از ایجاد "جمهوری اسلامی" در عراق و "رهایی" کریملا و بیت المقدس سخنی هم نمی‌تواند در میان باشد؛ هر چند از بد و برسریانیها افتادن این شعارها مسلج بود که آنها بهیچوجه جنبه عینی و عملی نخواهند داشت. در هر حال رژیم توانست با طرح شعارهای تهییج کننده، مردم عادی را بسیج نموده و آنان را به توده‌های حامی خود و به سربازان جبهه تبدیل کند.

سردمداران رژیم اکنون خود را در شرایطی می‌یابند که مجبورند تن به برقراری آتش‌بس با "صدام تکریتی" بدهند. اگر چنانچه آتش‌بس و یا صلحی در جبهه‌های جنگ ایجاد گردد، دستاورد و باعواقب آن متوجه شخص خمینی خواهد بود. خمینی که به مردم وعده پیروزی در جنگ و فتح کریملا و بیت المقدس را داده و آنان را فوج فوج به سوی جبهه‌ها گسیل داشته بود، اکنون خود را در برابر این سؤال می‌یابد که: "در آینده ممکن است افرادی آگاهانه یا از روی نا آگاهی در میان مردم این مسئله را مطرح نمایند که شمره این خونها و شهادت‌ها و ایثارها چه شد؟" بدیهی است که مردم چنین سؤال‌هایی را مطرح خواهند کرد. هم‌چنانکه تاکنون نیز مطرح کرده‌اند. لذا آنچه که محرز است، برداشتن این قدم برای خمینی حکم جام زهرآلود سیاست جنگی - مذهبی وی را داشت.

از سوی دیگر تسلیم شدن خمینی در برابر قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل، بار جانشینان او را سبکتر کرده و آنان را در شرایط بسیار مساعدی جهت ادامه حیات

رژیم قرار می‌دهد. مسئولیت ادامه جنگ مستقیماً به عهده خمینی بود. حال که این جنگ جز شکست فزاینده بار شمره ای برای سردمداران رژیم به همراه نیاورد، به گونه ای می‌بایست به اتمام رسانده می‌شد. منطق حکم میکند که این قضیه بدست خود خمینی فیصله یافته و جانشینانش از سر آن رها شده شوند. جلو انداختن خمینی و اعلام پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل زیرکانه ترین سیاستی است که می‌توانست امثال رفسنجانی‌ها بکار گیرند.

هر چند خمینی با بیان: "قبول قطعنامه از جانب جمهوری اسلامی ایران به معنای حل مسئله جنگ نیست"، مسئله جنگ را همچنان باز می‌گذارد؛ لیکن قرائن برآیند که رژیم اسلامی دیگر در شرایطی نیست. و به نفعش هم نیست. که جنگ را ادامه دهد.

سیاست توسعه طلبانه رژیم خمینی باعث شده که تمامی کشورهای عربی همسایه جانب رژیم صدام حسین را گرفته و آن را در مقابل جمهوری اسلامی به لحاظ مالی و حتی نیروی انسانی پشتیبانی کنند. از سوی دیگر مسئله صدور انقلاب اسلامی رژیم خمینی، سران این دول را به هراس انداخته و موجبات تجهیز سرسام آور نیروهای مسلح آنان را فراهم آورده است. عده درآمدهای نفتی این کشورها را کسرن‌های بین‌المللی اسلحه‌سازی بلعیده و همچنان می‌بلعند.

در حالیکه خمینی هوای "صدور انقلاب اسلامی" را در سر می‌پروراند، صدام حسین نیز ادعای رهبری کشورهای عربی را داشت. همین صدام بود که اوایل روی کار آمدنش و قبل از شروع جنگ، سران بقیه در صفحه ۱۰

ریشه‌ها و شاخه‌ها

در متن زیر، فرازهایی از سخنرانی کاندیدای علوم فیلولوژی، شاه محمد - خال محمدف، ادیب ترکمن، در یلنوم نویی شورای نشر نویسندگان اتحاد شوروی که در شهر آلماتا (قزاقستان)، تحت عنوان "ملی گرایی و انترناسیونالیزم: درسهایی از تاریخ و زمان حاضر"، برگزار گردید، به اطلاع خوانندگان رسانده می شود.

فکر می کنم که اکثر همکاران حاضر در جلسه مشورتی، مهبان کشور ما بوده اند؛ برای آنان تماشای زیبایی های جنگله فیروزه میسر شده است. آن هنگام شاید چنار تو مندی که در بین مردم به "یدی دو قان" (هفت برادر) شهرت دارد نظر آنان را به خود جلب کرده است. آری، همان چنار شگرف با تکیه به ریشه های محکم خویش، با شاخه های به آسمان ساییده همچنان پا بر جا ایستاده است. از ریشه و مضمون روایات گوناگونی که در این باره در میان مردم رایج است، بسیاری آگاهند.

شاید من در جستجوی ارتباط میان امروز و این قدمت، اندکی سادگی کرده ام از اینرو احتمال اینکه من فلسفه مردمی را اندکی ساده لوحانه درک کرده باشم، وجود دارد.

من از آن، ندای حیاتی وحدت و هشیاری دانشی را می شنوم. بالاتر از همه، درس ویژه ای از تاریخ را از آن می آموزم. پیوند این درس را با امروز احساس می کنم و آن همانا ایده انترناسیونالیزم می باشد، که در این روایت بطور حیرت انگیزی با ویژگیهای ملی گره خورده است. من همچنین باور دارم که این مشخصه تنها منحصر به این روایت

تدریوی هایی میدان داده شد. کتاب "دده قورقورت"، "یوسف - احمد" و آثار جد اگانه شاه بنده، معروفی، زنهاری، کاتبی و دیگران بدون اساس قدغن گردیدند. حتی ترانه های دانگ آتار - عوض اقا بنامهای "عاشق بولوموشام"، "سنی" و همچنین ترانه های خلقی "موکام لاریاشی"، "قارری قرق" در سال ۱۹۵۱، در ششمین پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکمنستان بعنوان آثار بورژوازی ملت گرایان تراجاعی مورد ارزیابی قرار گرفتند. دانشمندان علوم اجتماعی کشور، اثر هنری "دده - قورقورت"، آثار شاعران نامبرده، آثار و داستانهای دیگر آنان را به لحاظ علمی فرسوده، با تبت های انتقادی، با مقدمه ای گسترده، آنها را با فرهنگ و اصطلاحات علمی تکمیل و آماده نشر کرده، سخنان خویش را درباره آنها خواهند گفت. آری این نیز درسی دیگر از تاریخ است.

امکان دارد بعضی از همکارانم اینطور تصور کنند که من از موضوع اصلی صحبت امروزمان دورتر رفته ام. اما من ضروری می دانم این مسئله را حداقل در مثال "دده قورقورت" اندکی بیشتر بیکای کنم. اینهاست انبوهه دلایل: اولاً، این مسئله تنها محدود به این حماسه نمیشود، بلکه بطور کامل تا سیستم "اوغوز نامه ای" که مبین سنن ادبی بسیاری از خلقهاست ادامه می یابد. ثانیاً، هنوز هم بعضی از همکاران در بحبوحه جدالهای آتشین، گاهی سعی دارند به انحای مختلف، خلق چنین میراث های فولکلوریک را تنها به یک خلق نسبت بدهند.

ثالثاً، اینگونه میراث های فرهنگی بقیه در صفحه ۴

این امر را می توان در آثار شاعرانه تمامی خلق که حاصل تجربه چند قسرن زندگی آنهاست یافت. برای اثبات این نظر، تنها یادآوری حماسه های "آلهامیش" "ماناس" و "گوراوگلی" که در بین بسیاری از خلقها شهرت فراوانی کسب کرده اند و دیگر حماسه های خلقی، کافی است. این آثار با نشان زندگی، سنن هنری این یا آن خلق، با ساختمانی هنرمندانه، خصوصیت بخشیدن به قهرمانان، ابرزارهای شاعرانه، اساسی تر از همه با آمیزه ای از ایده های انسان دوستی و وطن پرستی و در عین حال به موازات تنوع سوزها، با تعاس برادرانه قهرمانان با نمایندگان دیگر خلقها، مهمترین نشانه های انترناسیونالیزم را در خود منعکس می کنند.

در اینجا یادآوری در باره درستی حماسه کهن اوغوز "قورقورت آتا" (دده - قورقورت) بجا خواهد بود. حتی آنسرا در مواردی چون بی احتیایی و عدم توجه کافی ما به آفریده شگوه مند خلق ییاد آوری خواهیم کرد.

منظور من از این گفتار، آن سرنوشت دردناکی است که این حماسه نزد ما، در ترکمنستان، دچار آن گردیده است. شایان ذکر است که تنها این اثر نبود که به این سرنوشت دچار گردید.

برای روشن تر شدن موضوع از سخنرانی سر. آ. نیازف دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکمنستان بناسبت جشن هفتادمین سالگرد انقلاب کبیر اکتبر سود میجوئیم: "در اوایل سالهای پنجاه در مورد میراث ادبی و مدنی خلق ترکمن به

ریشه ها و ...

متناسب با واقعیات امروزی، در بر دارندۀ زیباترین ایده ها و نیز انترناسیونالیسم می باشند .

رابعا، چنین آثار خلقی در وحدت با پایه های اسطوره ای، می توانند اساسی برای خلق آنگونه ادبیات رئالیستی باشند که مبرمترین مسائل روز را مطرح می کنند . آثار (ادبی) چنگیز آیتما تقی شاهد

روشن گفتار ماست. خصوصا آثاری از قبیل " کشتی سفید "، " ایستگاه کوچک بور - قانلی " و " چاپتی یاسقی " مورد نظر ماست. همه با این آثار آشنایی دارند . به

همین خاطر فقط با اشاره به يك امر سنده می کنیم . آن نیز همان درس عدل و غضبی است که نویسنده با تصویر گوزن مسا در مانکورت و گرگ مادر آق بیوری به خواننده می دهد . شخصا خود من آن گرگ مادر

را از آن چوپان و شکارچی صفتانی که او را از نسل محروم ساخته و در يك آن باعث بروز دو تراژدی، تراژدی حیوان و انسان شده اند رفوف تر و انسان تر تلقی میکنم . در اینجا نمی توانم از رمان " داتا -

توتا شهید " چ . امیر اجبین نام ببرم . چون آنجا نیز قهرمان ویژه ای که ریشه در سنن اومانستی خلق دارد ، پا به میدان می نهد و او نقش " یاغی رفوف " است .



در اینجا "پهلوان" قهرمان رمان "خوارزم" جمانیاز شریف اف نیز ناخود آگاه در ذهن تداعی می گردد .

این نقش نیز در تصویر و بیژنه ای از " انتقامجوی خلق " که در وحدت با رفقای روس خویش در راه آزادی مردمانی در حرکت است ظاهر می گردد .

در يك نگاه تجمیع خصائل از قبیل " انتقامجوی خلق " از طرفی و از طرف دیگر خصائل انترناسیونالیستی بطور واحد در يك فرد، شاید امری عجیب بنماید، اما هنگامی که به تاریخ و فولکلور مردمی نظر می افکنیم درمی یابیم، این امر نه تنها غیرعادی نیست بلکه پدیده ای قانونمند است .

بدون استثنا، همه خلقها در مواقع حساس، بعنوان حامیان توده زحمتکش تپ های مختلفی از اینگونه " یاغیان رفوف " خلق کرده اند .

کسرواوغلی، که توانسته بود با نمایندگان بسیاری از خلقها روابط مودت آمیز و دوستانه برقرار کند، شاهد بارز این ادماست . آثار کلاسیکها از چنین مثالهایی غنی است .

همه اینها نشانگر خصلت پرسویه انترناسیونالیسم است . حال طبیعی خواهد بود که نشر امروزین ما با شیوه های متنوعی به بیان این امر بپردازد .

لیکن راه بسوی دوستی راهی پر پیچ و خم بوده است. مانع تراشی های طبقاتی ممتاز در تاریخ دوستی خلقها کم نبوده است .

اما، توده زحمتکش با وجود تحمیل قربانیان بسیار به گسست آن هرگز راه نداده است .

برای انترناسیونالیست حقیقی در وهله اول عشق به خلق خویش و افتخار به تمامی ارزش های آن ضروری است . چنین عشقی نیز ریشه در خانواده دوانیده، کشیده، رشد نمی کند .

آری، خانواده ملی و همچنین خانواده انترناسیونالیستی ما من حقیقی چنین عشقی است .

نقل از هفته نامه " ادبیات و صنعت " (هنر و ادبیات)، شماره ۹ سال ۱۹۸۸ چاپ عشق آباد

پایان دوره ...

و میلیارد ها خسارت مالی و ... تنها فدای جاه طلبی ها و دیوانگی های خمینی و صدام شده اند . احتمال برقراری آتش بس زیاد است، ولی از آتش بس تا صلح واقعی راه درازی است!

کنفرانس سران ...

رژیم جمهوری اسلامی در مقابله صویبات کنفرانس بلافاصله يك روز بعد از خاتمه کنفرانس از طریق رئیس جمهوری در نماز جمعه تهران عکس العمل نشان داد . او ضمن حمله به قطعنامه کنفرانس، اعلام نمود که "تصمیم گیریهای این کنفرانس حقیقتا ننگ دنیای عرب است" .

پذیرفتن جنگ ایران و عراق شده و رژیم جمهوری اسلامی را به دلیل نپذیرفتن آتش بس و تن ندادن به صلح، محکوم نمودند . همچنین علیات تروریستی رژیم خمینی علیه رژیمهای عربی از طرف کنفرانس محکوم گشت .

انسان گولوم

من، انسانلئقتدا سايلادئم سنى

گوللر ينگ قيزى

گوللر ينگ قيزى

چاقاق داشلانگ، اوتلى دشمش لاريندان

جۇوره نيپ درد يندن قارا گوللر ينگ

هامراق قويون لارنىڭ، گوليز گوللر ينگ

آي آيدنىڭ گيجه لر دۇرلرين ساجيان

يۇرۇك بوقازنىڭ، سايراق قوشلارنىڭ

قوزولار كيمي

ديللر ينگ قيزى

گوللر ينگ

مالاردئم من

محببت داراختى، بارماقلارىڭدا

تايدئم

اۇرۇنى قاندىر

آينى

غريپدئم

گوللر ينگ توتۇند، قارا گيجه لر

آينامى

يىل يىزىز گيجه لر

اۇرۇنى سۇيدير

سئرىمى

باشسىز بوقداي لار يالى

زۇلپلر ينگ تاوندا تاق اتار قاولئق

سنى

غريپدئم

يانكا قىڭك آلئندا گول لار گوللر ينگ

گولش هۇرۇرئىسى آسمان آلئنگدا

يالنيزلىقدا چۆكردئم

ابد يت نيشه لاپد ير آدئنگدا

يالنيزلىقدا

هاوا، تايدئم سنى

بير اۇرۇنىڭم دال

يارىي يولدا، آطى اولن چاپاردئم

ياننىڭ بيلن

گۇزه له گيم

گيڭك عالمى

دينگله آيدايئن هنيز

پراغنىسى

مانگا هيچ كيم قاراشمادى

شور مانگلايا دۇش قلسنن لار حاقددا

تايدئم من

قاراشمان سونگ هيچ كيم مانگا

اۇتن آيلار حاقددا

قاراشمان بيلمدئم

پاصئل لار حاقددا

قدرت گوللر ينگ

گول ديكمان بيلمدئم، يولى كان دوتياڭك

سئه نينگ قارا گوللر ينگى، من اوكاپ

قتشدى

كوتله لى - كوتله لسيز

حافظه سارى

بولوتلى دورموشنىڭ غم دامجالارى

يول - يودالارنا

پوشكىنه

مه نينگ شېكىلى سينامدان سيرئقتپ

چىكمان بيلمدئم من

گوتله

آق اۇلر ينگ

سه نينگ اوقرونكا

تاگورا طاراپ

كوتله دورلوق لارنىڭدان

ائئانمالي بولدئم، اومعالي بولدئم

بولقورلانئپ، چشمه لنئپ

ياقملر لارنىڭ كچيشى يالى

بيك حاكىكاتا

آكدئم من

يۇره گيميڭك

انسان قابئشا

دۇب ته ينه دوشياردى

ايمى سالئقا ائمتئلدى داقلار

اي، انسان گولوم

قوركاردم

دنگيزلر، اى گوردى

آلئشا سئيلئدئم، سئيلارن سنى

گوللر ينگ اودى آلان

كۇره كلنگ ايزين

دم به دم، دمىڭده دوقياشم اۇچين

چاقا يالى

گوللر ينگ، ساحى ليقا سالدى ائقبالئن

هرسالئم هر دايم

قوركاردم

ياز لار، ياشلئق لاردا يازدى گولك دۇنون

سايلارن سنى

بالئق، بالئقئقدا بويلادى سووى

سانجار

جرن، جرنليڭده حالادى چوللى

آقلاردئم من

جنایت امپریالیزم ...

امپریالیسم آمریکا را فراهم نمود ، ولسی اکثر دول هنوز سکوت کرده و جانب احتیاط را گرفته اند . علت سکوت این دول ، ایزوله شدن و بی حیثیتی رژیم خمینی در سر - تاسر جهان است . جمهوری اسلامی نزد افکار عمومی جهان بعنوان رژیمی تروریسته و ترور پرور شناخته شده است .

جسی جکسن ، یکی از کاندیداهای ریاست جمهوری آمریکا از طرف حزب دموکرات ، در حین محکوم کردن سیاست ریگان در خلیج فارس گفت : " اگر آنها (ایرانی ها) در نزدیکی سواحل ما يك هواپیمای مسافربری را به گلوله بسته و بسیاری از انسانها را بقتل می رسانند ، چه اتفاقی می افتاد ؟ " جسی جکسن اضافه نمود که در رابطه با سقوط هواپیمای مسافربری تنها اظهار تأسفک کافی نیست همچنین نمایندگان کنگره آمریکا در ضمن محکوم کردن سیاست ریگان در خلیج فارس ، خواستار تجدید نظر در این سیاست شدند .

علیرغم ارتکاب جنایت هولناک از طرف دولت ریگان ، اکثریت سیاستمداران آمریکا عمل انجام شده را محکوم نکرده و توضیحات ژنرال کروو فرمانده نیروی دریایی را در رابطه با چگونگی وقوع حادثه پذیرفتند . ژنرال کروو مدعی است که احساس شده که ناو جنگی " وینسنس " مورد حمله واقع شده است . بنابراین این " حق وینسنس " بوده که از خود " دفاع " کرده و شئی حمله کننده را که احتمالاً هواپیمای جنگی ایرانی بوده است به گلوله بیند د !

مایکل دوکاکیس یکی از کاندیداهای حزب دموکرات برای ریاست جمهوری آمریکا ضمن تأیید سخنان ژنرال کروو ، تأکید

نمود که نیروهای مسلح ایالات متحده آمریکا باید از خود دفاع کنند .

ریگان رئیس جمهور آمریکا ، به توپ بسته شدن هواپیمای مسافربری ایران را " حادثه ای قابل درک (ا) " توصیف کرده

موسوی ، نخست وزیر رژیم اسلامی ، دولت آمریکا را مسئول عواقب جنایت این کشور علیه ایران دانسته و آن را تهدید به انتقام کشی کرد . وعده انتقام و اظهار کلمات تو خالی یکی از مختصات سردمداران رژیم خمینی است . هنگامی که چند ماه پیش نیروی دریایی آمریکا به هلی کپترها و کشتی های جنگی ایران حمله کرده و حدود نیمی از نیروی دریایی این کشور را از بین برد ، تنها " اقدام " سردمداران رژیم وعده انتقام کشی و گننده گویمهای همیشگی بود .

ولایتی ، وزیر امور خارجه رژیم ، از پرز د کوئیار ، دبیر کل سازمان ملل ، خواست که ترتیبی دهد تا این سازمان دولست آمریکا را بخاطر جنایت انجام یافته محکوم کند . ولایتی اضافه کرد اگر آمریکا از طرف سازمان ملل محکوم نگردد ، تصادمات دیگری بین ایران و آمریکا پیش خواهد آمد که در آن سازمان ملل نیز سهیم خواهد بود .

هواپیمای مسافربری آ - ۳۰۰ که از بندر عباس بلند شده بود ، عازم دویس در ۲۵۰ کیلومتری این بندر بود . هواپیما ، برخلاف ادعای ژنرال کروو مبنی بر خارج شدن آن از مسیر اصلی و قانونی ، درست در جهت اصلی در حال پرواز بوده است . فرمانده یکی از کشتی های جنگی ایتالیا که آن هم در خلیج فارس لنگر انداخته و در نزدیکی محل وقوع حادثه حضور داشته ،

مدعی است که هواپیمای مسافربری ایران از مسیر قانونی اش خارج شده بوده است . اتحاد جماهیر شوروی ضمن محکوم نمودن عمل ناو جنگی آمریکا ، خواستار خروج سریع واحد های دریایی آمریکا از منطقه جنگی شد .

سردمداران آمریکا تلاش می کنند ، سرنگونی هواپیمای مسافربری را " اشتباه تراژیک " ارزیابی کرده و همه گناهان را به گردن کامپیوتر بگذارند ! در تنگه هرمز به آن تنگی ، بزرگترین ناوگان های جنگی ایالات متحده آمریکا مستقر شده اند که پیشرفته ترین سلاح ها را در خود انباشته دارند . کاربرد تمامی سلاحهای موجود در درون و عرشه ناوها بوسیله کامپیوتر صورت می گیرد . کوچکترین اشتباه کامپیوتر می تواند فاجعه بیافریند .

کاپیتان " وینسنس " مدعی است که از روی صفحه کامپیوتری رادار ، تشخیص يك هواپیمای مسافربری از يك هواپیمای جنگی غیر ممکن است . به زعم کاپیتان ، همین عدم توانایی تشخیص باعث شده که هواپیمای آ - ۳۰۰ به توپ بسته شود ! برعکس ، متخصصین بین المللی معتقدند که تشخیص يك هواپیمای جنگی از هواپیمای مسافربری چندان کار دشواری نیست . به گفته آنان اثر يك هواپیمای جنگی بر صفحه رادار خیلی کوچکتر و مسیر حرکتش سریعتر است . در حالیکه اثر يك هواپیمای مسافربری بزرگتر و سرعتش به مراتب خیلی کندتر است .

ریگان ، هنگامی که هواپیمای مسافربری کره جنوبی در سال ۱۹۸۳ توسط نیروی هوایی شوروی سرنگون گردید و در آن ۲۶۹ نفر کشته شدند ، این عمل را بعنوان بقیه در صفحه ۱۱

معرفی يك كتاب :

(ماجرای میگوئل لیتین)

نویسنده : گابریل گارسیا مارکز

گابریل گارسیا مارکز با بیان : "تا وقتیکه بینوשה بر سر قدرت است ، دیگر هیچ زمانی منتشر نخواهم کرد ، سکوت ادبی خویش را آغاز کرد . مارکز که خالق رمانهای بزرگی چون "شاخ و برگ" (۱۹۵۵) ، "هیچکس به سرنگ نامه نمی نویسد" (۱۹۶۱) ، "ساعت بد یمن" (۱۹۶۲) و شاهکار ادبی و برنده جایزه ادبیات " صد سال تهلیلی" (۱۹۶۷) و ... است ، بر این باور بود که با قطع کار رمان نویسی ، جهت اعتراض به حکومت دیکتاتوری بینوשה در شیلی ، می توان افکار عمومی ، بویژه خوانندگان رمانهایش را به سوی جنایاتی که در این کشور صورت می گیرد ، جلب کرد .

کودتای نظامیان در شیلی و قتل سالوادور آلنده ، رئیس جمهور منتخب و محبوب شیلی ، که از نزدیکترین دوستان مارکز بشمار می آمد ، او را مصمم به ترک کار ادبی و آغاز کار سیاسی از قبیل نگاشتن مقالات و تهیه گزارشهای سیاسی کرد .

گابریل گارسیا مارکز که گذر سال ۱۹۴۹ با دست کشیدن از ادامه تحصیل در رشته حقوق ، کار خبرنگاری پیشه کرده و در روزنامه های کلمبیایی و کوبایی گزارش های سیاسی در باره ویتنام ، کوبا و آنگولا و مقالات متعدد دیگری در باره سیاست به چاپ رسانده بود ، بار دیگر به صحنه کار روزنامه نگاری قدم می گذارد . لذا این بار دیری نمی پایسد که نویسنده کار روزنامه نگاری را قطع نموده باز به جهان رمان نویسی روی می آورد . او اعتراف می کند : " من مجدداً به این نتیجه رسیدم که با ادامه رمان نویسی

و کار ادبی بیشتر به بینوשה ضربه خواهم زد ، تا با سکوت ادبی " در اتخاذ این تصمیم ، توصیه ها و تشویق های دوستان وی نیز بی دخیل نبوده است . آثاری چون " تاریخچه يك مرگ ، اعلام شده " (۱۹۸۱) ، " عشق در زمان کارولینا " (۱۹۸۵) و کتاب افشاگرانه و مهیج " ماجرای میگوئل لیتین " دستاوردهای از سرگیری مجدد کار رمان نویسی است . " گابو " (دوستانش او را به این نام می خوانند) با آراشه اثر آخر ، بر درستی تصمیم خویش مبتنی بر بازگشت دوباره به دنیای ادبیات ، صحنه گذاشته و موجبات هر چه بیشتر افشای چهره کریه بینوשה ، دیکتاتور شیلی ، را فراهم ساخت . داستان " ماجرای میگوئل لیتین " بدین قرار است : میگوئل لیتین ، کارگردان علمی شیلیایی ، که یکی از ۵۰۰۰ تبعیدی شیلیایی ، بشمار می آید ، تدارکات بازگشت مخفیانه به کشورش جهت تهیه فیلمی مستند از زندگی مردم شیلی را فراهم می کند . سازمانهای ایورسیون داخلی در عملی شدن این نقشه ، امکانات لازم را در اختیار کارگردان می گذارند . سه تیم بین المللی فیلم که تحت پوشش رسمی به شیلی سفر کرده بودند ، در آنجا به او ملحق می شوند . میگوئل لیتین و تیم های همراهش موفق می شوند با تهیه ۳۲۰۰ متر فیلم مستند از وقایع و اتفاقات جاری در شیلی ، صحیح و سالم این سرزمین را ترك گویند . محصول کار شاق سفر به شیلی ، تهیه فیلم مستند ۴ ساعت تلویزیونی و فیلم دو ساعته سینمایی تحت عنوان " سندی در باره شیلی " است . نمایش این دو فیلم ، تأثیر عیسی روی افکار عمومی جهان گذاشته و باعث

افشای هر چه بیشتر رژیم دیکتاتوری بینوשה گردید . میگوئل لیتین بعد از بازگشت به محل تبعیدش - شهر مادرید - جریان سفر پیرماجرا و پیرمخاطره به وطنش را - به دست نویسندۀ خود ، گابریل گارسیا مارکز ، شرح میدهد . کارگردان شیلیایی بنا به درخواست مارکز - که شفته عمل قهرمانانۀ وی و همراهانش شده بود - آمادگی خود جهت انجام صاحبه ای خصوصی با نویسندۀ را اعلام می دارد . محصول کار ، تهیه صاحبه ای ۱۸ ساعته بر روی نوار ضبط است . گابریل گارسیا مارکز ، طی صاحبه ای که بعد از به تحریر در آوردن کتابش ، بر اساس صاحبات فوق ، اظهار داشته که " در پس سفر ماجرای لیتین نکاتسی وجود دارد که نمی توان از آنها فیلم برداری کرد " . به جان خریدن مخاطرات عظیم ، جنگ روانی و کشاکشهای روحی ناشی از سفر به عمق کشور دیکتاتور زده را نمی توان فیلم برداری نمود . " ماجرای میگوئل لیتین " که پرداخت استادانه شرح سفر کارگردان توسط گابریل گارسیا مارکز است ، با استقبال وسیع خوانندگان در سراسر جهان مواجه گردید . بی شک کتاب " ماجرای میگوئل لیتین " بیش از يك كتاب خاطرات روزانه و یا سفری ماجرائی است . این اثر ریورثاری زنده از بیداد های يك دیکتاتور در گوشه ای از جهان است . مارکز احساسات درونی میگوئل لیتین در سفر پیرماجرا و مخفیانه اش به وطن خویش را ماهرانه ترسیم می کند . او نشان می دهد

بقیه در صفحه ۱۱

حق تعیین سرنوشت بدست خویش حق همه ملل است

بمناسبت ۱۹ ژوئیه . . .

فروپاشید .

بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب ، در صغندی نیروهای مژ تلف در انقلاب نیکاراگوئه تغییرات مهمی رخ داد . بورژوازی ضد سوموزا که پس از انقلاب دارا نمایندگانی در دولت بازسازی ملی بود ، به مخالفت با تعمیق انقلاب به نفع زحمتکشان و جهت گیری ضد امپریالیستی آن - که خواست اساسی توده های زحمت کش بود - پرداخت .

نیروهای جبهه ساندنیستها که در دولت ائتلافی اکثریت را داشتند ، در دو سال اول پس از انقلاب بانکها و تجارت خارجی را ملی اعلام کرده و با صادره کلیه اموال خاندان سوموزا به اصلاح نظام اقتصادی کشور به نفع تولید کنندگان خرد و توده های زحمتکش پرداخت ؛ طرح اقتصادی وسیعی همچون ملی کردن بیست درصد زمینهای قابل کشت و نصف شرکتهای بزرگ صنعتی کشور از طرف شورای فرماندهی جبهه ساندنیست که متشکل از ۱۰ تن از نمایندگان سازمانها مختلف عضو جبهه بودند ، جهت تجدید سازمان ساختار اقتصادی کشور به نفع زحمتکشان و ارتقاء سطح زندگی آنان اعلام گردیده و در هیئت دولت - در مقابل نیروهایی که خواهان متوقف کردن انقلاب بودند - جهت تحقق آن فشاری می شد .

با توجه به مخالفت شدید نمایندگان بورژوازی در دولت ائتلافی با تعمیق انقلاب به نفع توده های زحمتکش ، لازمه تحقق این امر ، بسیج و سازماندهی وسیع توده ها و شرکت فعال آنان در پیشبرد

انقلاب بود ، که ساندنیستها مجدانه و این بار جهت تحقق خواستههای اساسی انقلاب به سازماندهی وسیع توده های زحمتکش دست زدند .

نیروهای محرکه اصلی تقویت جناح انقلابی در برابر بورژوازی در درون دولت ائتلافی دو سندیکای مستقل از دولت ائتلافی ، یعنی سندیکای بزرگ کارگری C.S.T (سندیکای کارگران ساندنیست) که در مدت کوتاهی بعد از انقلاب دارای بیش از ۱۰۰ هزار عضو بود و A.T.C (سندیکای کارگران کشاورزی) که متشکل از دهها هزار عضو بودند . این دو سندیکا که از تکامل " کیت های روستا " و " کیت های کارگران ساندنیست " که قبل از انقلاب توسط ساندنیستها سازماندهی شده بودند بوجود آمده بودند ، با حمایت بیدریخ خود از انقلاب و جناح طرفدار تعمیق انقلاب در " دولت بازسازی ملی " نقش مهمی را در پیشبرد انقلاب و تشدید تضاد بین ساندنیستها طرفدار اصلاحات عمیق اجتماعی - اقتصادی و بورژوازی طرفدار توقف انقلاب ایفاء کردند .

در پی تشدید این تضادها بود که " آلفونسورویلود " و " شامورو " نمایندگان بورژوازی ضد سوموزا در دولت ائتلافی با موضع گیری علیه " مداخله دولت در امور اقتصادی و اجتماعی " ، و " توتالیتاریست " نامیدن ساندنیستها ، دولت را ترک کردند . با تصویب لایحه " جدائی کامل کلیسا از دولت " در اوت ۱۹۸۰ توسط ساندنیستها ، سلسله مراتب کلیسای کاتولیک نیز با تبعیت از پاپ و با " مرتد " نامیدن کلیه مذهبیون که به ساندنیستها پیوسته بودند به صف ایوز سیون دولت انقلاب

تبدیل گشتند و در مقابل انقلاب قرار گرفتند .

در ژوئیه ۱۹۸۱ تحت فشار و شرکت فعال دهقانان طرح اصلاحات ارضی در میان تبلیغات ضد انقلاب بورژوازی رانده شده از دولت و فتوایها ، به تصویب دولت انقلاب رسید ؛ این طرح که نقطه تکاملش قانون " تعاونیها " بود در جهت تقسیم مجدد اراضی ، تأمین اعتبارات برای دهقانان کم زمین و بازگرداندن خانواده های بی زمین که در دوره تسلط سوموزا مجبور به ترک روستاهایشان شده بودند ، با نظارت کارگران کشاورزی و دهقانان متوسط به اجرا درآمده و به صورت گسترده ای سازماندهی شد . ایجاد اتحادیه تولید کنندگان کوچک روستائی به نام " اوناک " با موفقیت مواجه شده و در عرض یکسال موفق می شود ۷۷ هزار نفر از میان دهقانان عضوگیری کند .

تعمیق انقلاب باعث صف بندی در درون جبهه ساندنیستها نیز گشته و جناح اون پاستورا بطرف بورژوازی لیبرال جهت گیری نموده و بدین ترتیب از صف انقلاب خارج می شود . تمام امید های امپریالیسم آمریکا برای فروپاشی انقلاب از درون ، با اقدامات انقلابی ساندنیستها در راه تعمیق انقلاب و تکیه بر نیروی لایزال خلق نقش بر آب میشود و بدینحال آن استراتژی تعرض نظامی از مرزها برای سرنگونی دولت انقلابی در دستور کار امپریالیسم آمریکا و ضد انقلابیون داخلی قرار می گیرد .

تبلیغات ضد ساندنیستی و جو سازی علیه انقلاب نیکاراگوئه به اوج خود میرسد و در فوریه و مارس ۱۹۸۲ سه هزار تن بقیه در صفحه ۹

بمناسبت ۱۹ ژوئیه ۰۰۰

از افراد گارد سابق سوموزا از طریق هندوراس به نیکاراگوئه حمله نظامی میکنند. رویلو کروز و دیگر سرشناسان بورژوازی، ماناگوا را به مقصد کشورهای همسایه و آمریکا ترک میکنند. تبلیغات امپریالیسم آمریکا حول وجود مستشاران شوروی و کوبا در نیکاراگوئه و مداخله ساندنیستها در السالوادور به اوج خود می رسد و زمینه های "مداخله نظامی مستقیم" آماده میشود. ریگان بعنوان نماینده هارترین جناح امپریالیسم اعلام میدارد که: "به هیچوجه حضور نیکاراگوئه انقلابی را در حیات آرام آمریکا در منطقه تحمل نخواهد کرد".

در مارس ۱۹۸۲ دولت نیکاراگوئه مجبور به اعلام وضعیت ویژه در کشور میشود. مداخله ساندنیستها به بسیج گسترده توده ای برای دفاع از انقلاب می پردازند و با پخش سلاح در میان خلق نیکاراگوئه "کمیته های دفاع ملی" در هر محله، شهر و روستا جهت دفاع از انقلاب تشکیل می شود؛ با مسلح شدن پانصد هزار تن از جوانان انقلابی، کارگران وزحمتکشان شهر و روستا، یکبار دیگر خلق نیکاراگوئه زیر پرچم ساندنیستها، ولی اینبار برای دفاع از انقلاب و حق تعیین سرنوشت خویش متشکل می شوند تا ثابت کنند که تسلیم سیاست چقاق آمریکا و ضد انقلابیون مسلح نخواهند شد.

ضد انقلابیون با انفجار مخازن نفت و سایر مواد سوختی، آتش زدن مسزراع نیشکر و قهوه و حمله نظامی به تعاونیهای روستائی و کشتار روستائیان، تمام سعی خود را برای شکست انقلاب بکار می برند.

دولت انقلابی نیکاراگوئه که در شرایط سخت محاصره اقتصادی از طرف کشورهای امپریالیستی، بویژه آمریکا بسر می برد، مجبور می شود اعلام "اقتصاد مقاومت" کند و کالای اساسی را جیره بندی کرده توزیع محصولات ضروری را تحت کنترل "کمیته های دفاع ملی" قرار دهد. علیرغم شرایط جنگی و محاصره اقتصادی به علت افزایش قیمت محصولات غذایی و غیره ۰۰۰ دولت انقلاب برای مقابله با افزایش قیمتها که قربانیان اولیه اش زحمتکشان میباشند - حداقل دستمزد را متناسب با افزایش کالاهای ضروری افزایش دهد.

در آوریل ۱۹۸۳ با مین گذاری بنادر نیکاراگوئه، ۶ هزار تن از مزدوران سوموزا از شمال و جنوب به نیکاراگوئه حمله میکنند؛ خلق نیکاراگوئه همچنان به دفاع قهرمانانه از انقلاب ادامه میدهد و ضد انقلابیون را پس میرانند. ساندنیستها سیاست مالی جدیدی را در قبال کشاورزان اعلام میکنند و کسل بدهی دهقانان عضو تعاونی ها و مناطق جنگ زده - اعم از عضو و غیر عضو بخشیده می شود؛ توزیع محصولات کشاورزی تحت نظر کمیته مشترکی از وزارت بازرگانی، اتحادیه های کشاورزی و اتحادیه تولیدکنندگان خرد "اوناک" در "شورای ملی اصلاحات ارضی" قرار می گیرد. دو اتحادیه مذکور با دخالت مستقیم در تمام سطوح تصمیم گیری و اجرا، کمک مؤثری در جهت مبارزه با واسطه گری "کسه انکل وار" در شرایط جنگی میروید، میکنند. علیرغم شرایط جنگی، تعاونی های "خدمات و اعتبار"، "تعاونی کار" و "تعاونی تولید" بویژه در روستاها توسط سندیکاها بشکل صحیحی سازماندهی می شوند.

با تصویب قانون احزاب در ژوئیه ۱۹۸۳ که در آن حقوق هر حزبی برای کسب قدرت سیاسی - بجز احزاب و گروههای وابسته به رژیم سابق - بنه رسمیت شناخته شده، تصمیم به برگزاری انتخابات ریاست جمهوری گرفته می شود. انتخابات ریاست جمهوری با شرکت "جبهه ساندنیست" و هفت حزب سیاسی دیگر برگزار می شود. علیرغم کار شکنیها و تبلیغات امپریالیستها و نمایندگان بورژوازی که در "هماهنگی دموکراتیک" سازمان یافته و به دلیل عدم شرکت نیروهای سوموزیست انتخابات را بایکوت کرده بودند، انتخابات در نوامبر سال ۱۹۸۴ با حضور و نظارت یک هیئت بین المللی و بدون گزارشی يك نمونه جعل و تخلف برگزار می شود. دانیل اورتگا کاندیدای ساندنیستها با کسب ۷۰ درصد آرا به ریاست جمهوری نیکاراگوئه انتخاب میشود. در سالهای بعد از انتخابات ریاست جمهوری در نیکاراگوئه امپریالیسم آمریکا و متحدانش در منطقه، از هیچ اقدامی برای برزاندن در آوردن انقلاب نیکاراگوئه کوتاهی نکردند. از کمکهای يك صد میلیون دلاری به مزدوران سوموزا گرفته تا تبلیغات گسترده و فشارهای دائمی و محاصره اقتصادی. نکته قابل توجه اظهارات گسترده برخی از مقامات آمریکایی بعد از افشای "ایران گیت" و فروش مخفی اسلحه به رژیم جمهوری اسلامی میباشد؛ بنا به اظهارات بعضی از مقامات آمریکایی، کمکهای مالی آمریکا به مزدوران ضد انقلاب در نیکاراگوئه از طریق فروش اسلحه به ایران تأمین میشده است. سال گذشته، سال سرنوشت سازی

بقیه در صفحه ۱۰

بمناسبت ۱۹ ژوئیه ...

برای انقلاب نیکاراگوئه بود و اوضاع سیاسی در این کشور وارد مراحل حساس نوینی گشت. همزمان با رسوائی هر چه بیشتر سیاست چماق، دولت آمریکا در منطقه و افشای "ایران گیت" و پاپای پیروزی، ساندنیستها، شکاف در جبهه ضد انقلابیون نیز تسریع گشت. در آبانماه ۱۳۶۶ بود که سومین رهبر کنتراها "بنام" ادگار سامورو کرونل "بهمراه سده ای از ضد انقلابیون، خود را تسلیم نیروهای امنیتی نیکاراگوئه کرده، و در صاحبخانه خود با روزنامه "ال نیود یاریز" اظهار داشت که "هیچیک از رهبران کنتراها از استقلال علی برخوردار نبوده و تمامی دستورات از طرف سیا به آنان داده می شود".

با توجه به افزایش فشارهای اقتصادی تحت شرایط جنگ تحلیلی چند ساله و علیرغم مقاومت استوارانه خلق نیکاراگوئه و با توجه به فقر بیش از حد این کشور آمریکا مرکزی که تحت شرایط محاصره اقتصادی آمریکا و متحدانش و خرابکاری ضد انقلابیون در حوزه های تولیدی و اقتصادی قرار دارد و تنها از کمک اقتصادی کشورهای نوسیلیستی و مرفقی برخوردار میباشد، دولت نیکاراگوئه قادر به پیشبرد طرحهای اقتصادی برای رشد کشور نشده و بقول دانیل اورتگا که در یکی از مصاحباتش اظهار داشته "برنامه اقتصادی ما برنامه ای است برای بقا و نه برای پیشرفت".

تحت چنین شرایطی بود که ساندنیستها برای خاتمه دادن به جنگ تحلیلی چند ساله و بهبود وضعیت اقتصادی، دیپلماتی وسیعی را در جهت برقراری صلح و خلع سلاح ایدئولوژیک ضد انقلابیون کنترا و حامیشان امپریالیسم آمریکا بکار بردند

و با پذیرفتن "طرح صلح کستاویکا" که بر اساس آن قرار بود متعاقب امضای قرارداد آتش بس، کنتراها اسلحه را بر زمین بگذارند و به زندگی سیاسی مسا - لمت آمیز از طریق برسمیت شناخته شد - نشان بعنوان یکی از احزاب اپوزیسیون روی بیاورند - ابتکار صلح در منطقه رادر دست گرفتند.

ساندنیستها که برخورد ار از تجربیات انقلابات در جهان می باشند، در این مقطع حساس تاریخ نیکاراگوئه با در دست گرفتن ابتکار صلح در منطقه، ضمن افشای چهره ضد انقلابیون و سیاست چماق آمریکا و همچنین برخورداری از حمایت و همدردی افکار عمومی آزادخواه جهان و کشورهای انقلابی و مرفقی، باعث شکاف هر چه بیشتر در صفوف "کنترا" و نقش بر آب شدن طرحهای جنگ طلبانه و دخالت گرایانه امپریالیسم آمریکا در نیکاراگوئه گشتند.

همزمان با انجام مذاکرات صلح بود که ساندنیستها با بکارگیری دیپلماتی صحیح و زیرکانه و تعقیب اهداف تاکتیکی ماهرانه و با آزادی بسیاری از اسرای کنترا و امضای قرارداد اولیه صلح در دهکده "مرزی" "سایوا" در ۲۴ مارس ۸۸، میروند که صلح را به کنتراها تحمیل کنند؛ چه با تحمیل صلح به ضد انقلابیون و در نتیجه خلع سلاح آنها و قطع کمکهای مالی امپریالیسم آمریکا، در شرایط حاضر تنها راه غلبه بر مشکلات اقتصادی نیکاراگوئه می باشد.

خلق و دولت نیکاراگوئه با آغاز دهمین سال انقلاب ژوئیه، با فداکاری و حمایت بیدریغ از انقلاب و قربانیان بیشمار، ثابت کرد که قادر است برای نیکاراگوئه زندگی

نوین، صلح، آزادی و عدالت اجتماعی ایجاد کند.

پایان دوره ...

محافظه کار کشورهای عربی را مرتجع خوانده و آنان را تهدید می کرد. او اکنون در شرایطی است که بدون کمک و حمایت همین مرتجعین نمی تواند سر پا بایستد و در مقابل رژیم خمینی صف آرایی کند. اینکه صدام حسین بعد از اتمام جنگ و موفق بیرون آمدن از آن، مجددا چنین ادعایی خواهد داشت، بعید بنظر می رسد. اگر در آن شرایط پیروزی برق آسار جنگ علیه ایران دست یافتنی بنظر می آمد، اکنون چنین دور - نمایی دیده نمی شود. در ضمن مردم عراق نیز دل پرخونی از جنگ داشته و زیر فشارهای اقتصادی و سیاسی در عذابند.

صدام حسین با تحمیل جنگ به ایران، نه تنها به اهداف خود دست نیافت، که با اشغال خاک این کشور حس ملی مردم ایران را جزئیحه دار کرده آنان را به مقاومت سرسختانه در مقابل دشمن متجاوز ترغیب نمود. رژیم خمینی نیز از فرصت بدست آمده نهایت بهره برداری را نموده موقعیت خود را تثبیت کرد.

اکنون با سیری شدن قریب به هشت سال از آغاز جنگ خانمانسوز، طرفین درگیر مجددا در آغاز کار قرار دارند. نسه از "پیروزی برق آسای" دلخواه صد اخبیری است و نه از "صدور انقلاب اسلامی" و "ایجاد جمهوری اسلامی" در عراق که خمینی طالب آن بود. یک میلیون انسان قربانی شده، میلیونها مصدوم و معلول بقیه در صفحه ۴

ماجرای میگوئل

که چگونه انسانی که به ناگزیر مدتی طولانی تن به زندگی در تبعید، بدور از آب و خاک و مردم خویش می دهد، در راه آرمانی والا هر خطری را به جان خریده، در نقش بدلی تاجری اروگنه ای وارد خاک وطن می شود. هدف، تهیه فیلمی مستند از چهره کریم رژیم دیکتاتوری و عرضه آن به جهانیان بود.

میگوئل لیتین پس از بازگشت از شیلی اظهار داشته: "من مجبور بودم جهت فریب پلیس و جلوگیری از لو رفتن، حتی نحوه خندیدن و لبخند زدن خود را نیز تغییر بدهم؛ اگر بخندی می میری، این توصیه ای بود که به من شده بود." میگوئل لیتین، قهرمان کتاب، کنجکاوانه و با دیدگانی تیز و هوشیارانه تغییراتی را که در مدت تبعید ۱۲ ساله وی رخ داده بودند، نظاره و دنبال می کند.

جنایت امپریالیزم

"عمل تروریستی رهبران امپراطوری شر" محکوم نموده و آن را "کشتار جمعی خوب سردانه و طرح ریزی شده" نامید. لازم به یاد آوری است که هواپیمای مسافربری کره جنوبی به عمد از مسیر اصلی و قانونی خود خارج شده به دل خاک اتحاد جماهیر شوروی وارد گردیده بود. خلبان این هواپیما، علیرغم اخطارها پی در پی و طولانی نیروی هوایی شوروی و پرواز دوشکاری این کشور به مساوات هواپیمای مسافربری و ارسال پیام و نشان دادن علائم لازمه جهت فرود آوردن هواپیمای مزبور، مصرانه به پرواز بر فراز

خود را در میان توده های مردمی که از هویت واقعی تاجر اروگنه ای بی خبرند و او به آنان عشق می ورزد، رها می کند. میگوئل هر چند اکنون - ولو برای چند لحظه ای - در میان مردم همزیان، هم فرهنگ و هم کیش و آئین خویش بسر می برد، ولی احساس بیگانگی، همچون بیگانه ماندن در تبعید، او را آزار می دهد. او ۱۲ سال است که در دنیای زجرآورد مهاجرت بسر می برد؛ به ناگزیر در تبعید ماندن و به ناگزیر به تماشا نشستن؛ حتی مادر کارگردان نیز پی به هویت واقعی تاجر نبرده و به هنگام ورود او به خانه اش خطاب به وی می گوید: "تو یکی از دوستان پسر من باید باشی!"

"ماجرای میگوئل لیتین" بوضوح نشان می دهد که چگونه رژیم دیکتاتوری جهت دفن دموکراسی و آزادی به تلاش وحشیانه خویش ادامه می دهد. لیتین به هنگام اقامتش در وطن پنهانی برده که آئینده،

خاک شوروی ادامه داده بود. در حالیکه هواپیمای مسافربری ایران در محدوده خاک ایران و در مسیر اصلی و قانونی در حال پرواز بود نه بر فراز خاک ایالات متحده آمریکا!

سرتنگونی هواپیمای کره جنوبی توسط نیروی هوایی شوروی ماهها سوزه تبلیغاتی و سوء تبلیغاتی سیاستمداران و خبرنگاران غربی گردید. ولی سقوط هواپیمای مسافربری ایران توسط نیروی دریایی آمریکا به جز سرود ای چند روزه، آنهم توأم با جانبداری از عمل جنایتکارانه آمریکا، بعدی بخود نگرفت. حتی سازمان ملل نتوانست این عمل جنایتکارانه را محکوم کند. این سازمان تنها به "اظهار

علیرغم تلاشهای خشونت بار رژیم، هنوز در خاطره مردم زنده است، و سرود، شاعر بزرگ، همچنان در قلوب آنان زندگی می کند.

لحظه وداع بالاخره فرا می رسد. لیتین بار دیگر مجبور به ترک وطن می شود. او سرزمین خویش را مجدداً ترک می گوید، بی آنکه بداند کی و چگونه دوباره به آغوش آن باز خواهد گشت؛ بازگشتی ابدی! مارکز با بقلم آوردن احساسات باطنی میگوئل لیتین بهنگام ترک خاک وطنش، دیگر بار اثبات می کند که او نماینده واقعی ادبیات اسپانیولی زبان است.

بدون تردید، گابریل گارسیا مارکز توانسته است با تألیف "ماجرای میگوئل لیتین"، چون نویسنده ای متبحر و متعهد، رژیم دیکتاتوری پینوشه را هر چه بیشتر رسوا نموده و توجه افکار عمومی جهان را به سوی جنایات این رژیم علیه میسرمد شیلی، سوق بدهد.

تأسف از عمل انجام یافته بسنده کرد! این قبیل عکس العمل ها، غیر طبیعی و بدور از انتظار نیز نیست. در شرایطی که رژیم جنایتکار خمینی دستش به خون مردم ایران آغشته است و هستی آنان را در جنگ، اختناق و ترور بر باد داده چه انتظاری می توانند این مردم از نیروهای بیگانه و بویژه امپریالیزم آمریکا داشته باشند!

مادامیکه سیاست تروریستی و جنگ - افروزانه رژیم خمینی و امپریالیزم آمریکا ادامه دارد، حوادثی نظیر سقوط هواپیمای مسافربری ایران و کشته شدن انسانهای بیگانه نیز تکرار خواهند شد!

اخبار رسیده

تشدید سیاست ترور و اختناق در

ترکمنستان ایران

در پی پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل و فروکش کردن رژیم جمهوری اسلامی باز هم در ترکمنستان ایران دست به اعمال فاشیستی و ارتجاعی خود توسط مزدوران نژاد و با سرازیر کردن سیل پاسداران و بسیجی یان به منطقه، شروع به آدم ربایی و شکار و دستگیری مجدد زندانیان سیاسی آزاد شده هوا در کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن و دیگر سازمانها و افراد "مشکوک" به فعالیت سیاسی و جوانان فراری از جیبه های چنگ کرده است. در این رابطه چندین نفر دستگیر شده اند که از سرنوشت آنها اطلاعی در دست نیست. مزدوران رژیم در نیچه های شب و با نزدیکی سپیده دم بطور ناگهانی با چندین ماشین پاترول به یک منطقه از شهر مغول وار یورش برده و با ایجاد ناآرامی، رعب و وحشت و محاصره نظامی منطقه، تمام خانه ها را مورد تفتیش قرار می دهند و در صورت اعتراض حتی از بردن پیر مردان و پیر زنان نیز کوتاهی نکرده و اعتیایی به شیون و گریه کودکان خرد سال نمیکنند. هم اکنون شهرهای بندر ترکمن، آق قلا، کومیش دغه (گومیشان)، گنبد کاوس، کلاله، مراوه تپه و تنگه ترکمن جرگلان و نوارهای مرزی و در واقع در کل ترکمنستان ایران حکومت نظامی برقرار است.

تمام جاده های منتهی به بندر ترکمن، گنبد، کلاله، آق قلا و روستاهای خومه این شهرستانها توسط مزدوران ج ۱۰

کنترل می شوند و حتی معلمانی که در روستاها تدریس میکنند، نیز هنگام خروج از شهر و ورود به روستاها، توسط هسته های به اصطلاح مقاومت مورد تفتیش بدنی قرار میگیرند. حتی اسامی کسانی که به قصد شرکت در جشن عروسی و یا مجلس ترحیم، به روستاها می روند، باید از طرف میزبان در اولین ساعت ورود به مزدوران رژیم در محل اطلاع داده شود!

گشایش سیاهچالهای جدید در گنبد

رژیم خمینی در شهرستان گنبد - کاوس در صدد گشایش و افتتاح یکی از بزرگترین سیاهچالهای بزرگ و مخوف خود در این شهرستان می باشد تا در ادامه اعمال شیوه و سیاستهای توأم با شکنجه و اعدام مبارزان خلق ترکمن با مدرنترین وسایل و امکانات لحظه ای درنگ نکرده باشد. این شکنجه گاه که میلیون ها تومان هزینه برداشته، با زندان سابق معروف به سازمان قاراباسی در حدود ۱۰۰ متر فاصله دارد، دارای چندین سلول انفرادی به مساحت یک قیر می باشد که حتی یک نفر نمی تواند به شکل درازکش در آن جای بگیرد. تمام درهای سلول و درهای خروجی و ورودی زندان اتوماتیک بوده و زندان مجهز به تلویزیون مدار بسته میباشد. شایع است که در این زندان از شکنجه گران معروف زندانهای سراسر کشور در پسابز جویی استفاده خواهد شد. همه زندانیان سیاسی خلق ترکمن از شهرستانهای مختلف منجمله اوین و گوهر دشت، چالوس بندر ترکمن - بویه گرگان - ارشادگاه قدس (ساواک سابق) و ۰۰۰ به این

زندان آورده خواهد شد. در ضمن از زندان سابق مجاور آن به عنوان زندان ویژه مجرمین عادی استفاده خواهد شد. ناگفته نماند که طرح و نقشه این زندان توسط مهندس صانعی (کاندیدای دوره دوم مجلس شورای اسلامی) پیاده شده و شخصرایشان مشاور ساختمانی آن بوده است.

محکومیت مجدد رژیم ج. ا. در سازمان ملل متحد

قطعنامه مربوط به محکومیت رژیم جمهوری اسلامی بدلیل نقض مکرر حقوق بشر، که در تاریخ ۲۰ اسفند ماه ۶۶، از طرف کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد تصویب شده بود، در آخرین اجلاس کمیسیون اجتماعی سازمان ملل متحد در ۲ خرداد ماه، پس از بررسی با اکثریت آرا به تصویب رسید.

در قطعنامه مذکور رژیم ولایت فقیه بدلیل نقض حقوق بشر، نقض آزادی افکار، عقاید و مذاهب و همچنین نقض حقوق اقلیت های ملی و مذهبی محکوم گشت.

این قطعنامه در ۶ خرداد به تصویب کمیسیون اقتصادی - اجتماعی سازمان ملل متحد نیز رسید.

کنفرانس سران کشورهای عربی روز ۱۹ خرداد کنفرانس سران کشورهای عربی با تصویب قطعنامه ای به کار خود پایان داد. در قطعنامه پایانی، ضمن حمایت کامل از قیام اخیر خلق فلسطین در مناطق اشغالی اسرائیل، شرکت کنندگان در کنفرانس خواستار پایان

آدرس در خارج از کشور

PLK
Nr. 117009 C
5000 KÖLN 1
WEST-GERMANY